

ایران - روس

عهدنامه گلستان

بیست و نهم شوال ۱۲۲۸ ق. / دوازدهم اکتبر ۱۸۱۳ م.

درآمد:

اساس وصیت نامه پترکبیر اصولاً روی دو مطلب تکیه می‌کند، رسیدن به دریاهاى آزاد و دست‌یابی به هندوستان. روی این اصل، تزاران وارث میراث پترکبیر بهترین و آسان‌ترین راه جهت اجرای این برنامه دراز مدت پترکبیر را در ضعیف کردن دولت ایران و عبور از این منطقه یافتند. در بخشی از قسمت نهم وصیت نامه منسوب به پترکبیر آمده که «... کشور گرجستان و سرزمین قفقاز رگ حساس ایران است. همین که نوک بیشتر استیلای روسیه به آن رگ برسد فوراً خون ضعف از دل ایران بیرون خواهد رفت و چنان ناتوان خواهد شد که هیچ پزشک حاذق نتواند آنرا بهبود بخشد...» بنا بر این دولت روسیه برای رسیدن به دریای آزاد مجبور بود که پیش از همه به خاک قفقاز دست‌اندازی نماید.

وقتی ارتش روسیه گنجه را تصرف کرد (۱۲۱۸/۱۸۰۳) سپاه ایران به فرماندهی عباس میرزا از رود ارس عبور کرده و در ژانویه ۱۸۰۴ در حوالی کلیسای اچمیادزین قوای روسیه را شکست داده به عقب راندند. در فوریه ۱۸۰۵ نیروی دریایی روسیه تحت فرماندهی ژنرال شفت G.Scheft به بندر انزلی حمله‌ور شده در آنجا قوا پیاده کردند، این بار نیز نیروهای ایرانی به مقاومت پرداخته تلفات سنگینی به روسها وارد آوردند. تا اواخر ۱۸۰۶. ژنرال گودوویچ توانست باکو، در بند و شکی را متصرف شود، اما فتوحات درخشان ناپلئون اول در جبهه اروپا و شکست‌هایی که در اوسترلیتز Austerlitz و ایلو Eylau به ارتش روسیه وارد کرد سبب شد که روس‌ها نتوانند در جبهه قفقاز دست به اقدام جدی بزنند.

حتی در اواسط ۱۸۰۷ م. گودوویچ نماینده‌ای به نام استپانف Stepanov. جهت امضاء

۱. رک: وصیت‌نامه پترکبیر در همین مجموعه.

قرارداد متارکه جنگ به تهران فرستاد، ولی فتحعلی شاه به پشت‌گرمی ناپلئون^۲ شرط شروع مذاکرات با روسها را تخلیه تمام نواحی اشغال شده قرار داد، در نتیجه مأموریت استپانف با شکست مواجه شد. به دنبال این شکست انعقاد عهدنامه تیلیسیت بین روس و فرانسه، ایران را کاملاً در مقابل ارتش روسیه تنها گذاشت، چرا که بعد از پیمان صلح بین ناپلئون و تزار که منجر به عهدشکنی ناپلئون در مورد تعهدات دولت فرانسه مبنی بر کمک نظامی به ایران در استخلاص سرزمینهای متصرفی توسط ارتش روسیه بود، به ارتش آزاد شده از جنگ جبهه اروپا این اجازه را داد که به جبهه قفقاز اعزام گردد تا جنگ را با شدت بیشتری علیه ایران ادامه دهد.

وضع ایران در این موقع بسیار وخیم و مبهم است: قطع رابطه با انگلستان و اعلان جنگ به این دولت^۳ مقاومت در مقابل تعرض قوای روسیه و بالاخره کمک به ناپلئون در فتح هندوستان. در ۱۸۰۷ م. مجدداً قوای روس ایروان را محاصره کردند و تقاضای عباس میرزا مبنی بر متارکه جنگ به مدت یک سال با شکست مواجه گردید. ژنرال گاردان سفیر ناپلئون علی‌رغم میل باطنی خویش دست از تسلیح ارتش ایران کشیده، سعی کرد میان دولت روسیه که متحد دولت متبوعش بود و دولت ایران که به واسطه اقامت در آن نسبت به سرنوشتش علاقه‌مند شده بود میانجیگری نماید، ولی در اوایل اکتبر ۱۸۰۸ م. دولت روسیه پیشنهاد میانجیگری فرانسه را رد کرده بلافاصله نیروهای ژنرال گودوویچ به ایروان حمله بردند. در این میان انگلیسیها که مترصد چنین فرصتی بودند با ارسال سرباز فوروجونز مقدمات انعقاد عهدنامه مجمل را با دربار فتحعلی شاه فراهم آوردند.

تا اکتبر ۱۸۱۲ م. عملیات جنگی بین ایران و روسیه دیگر به آن شدت و حدت نبود. پایان دوستی و مودت بین الکساندر اول و ناپلئون (۱۸۰۹ م.)، شکست حمله ارتش روسیه از جانب لنکران در اثر مقاومت شدید ایرانیان (۱۸۱۰ م.) و مشغول بودن روس در جبهه لهستان در جنگ باناپلئون (۱۸۱۱ م.) از جمله مواردی هستند که روسیه را از پرداختن به جبهه قفقاز باز می‌دارد. در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ م. پیمان اتحادی بین انگلستان و روسیه منعقد و به موجب آن افسران و مستشاران انگلیسی که در خدمت ارتش ایران بودند، با مستثنای دو نفر صاحب‌منصب^۴ و ۱۳ نفر سرجوخه، پستهای خود را ترک می‌گویند.

در ۳۱ اکتبر ۱۸۱۲ م. قوای روس دست به حمله عمومی زده و با تهاجم به مواضع ارتش ایران در اصلاندوز شکست جبران‌ناپذیری به عباس میرزا وارد می‌کند. در این موقع است که سرگور اوزلی سفیر انگلیس از ترس اینکه مبادا ایران یکسره به دست روس بیفتد فتحعلی شاه را با

۲. رک به عهدنامه فینکن اشتاین بین ایران - فرانسه در همین مجموعه.

۳. طبق: عهدنامه فینکن اشتاین درین مجموعه.

۴. رک: عهدنامه مجمل درین مجموعه.

۵. رک: بند چهارم عهدنامه مجمل.

۶. یکی از این صاحب‌منصبان هاژوکریستی است که در آخرین حمله روسها (جنگ اصلاندوز) کشته می‌شود.

تهدید به اینکه در صورت ادامه جنگ، کمک مالی انگلیس قطع خواهد شد، وی را برای انعقاد پیمان صلح تحت فشار قرار می‌دهد. ۷. از سوی دیگر سال ۱۸۱۳ م. سالی است که با جدیت انگلیسیها، تمام دول اروپا علیه ناپلئون متحد شده‌اند و قوای مادی و معنوی ناپلئون نیز در اثر جنگهای روسیه و اسپانیا رو به ضعف نهاده و انگلیس نه تنها در اروپا، بلکه در سایر نقاط نیز سعی می‌کند صلح برقرار گردد، این است که در ایران نیز انگلیس می‌کوشد بین روس و ایران، ولو موقتاً هم که شده تا زوال ناپلئون صلح برقرار گردد تا روسها با فراغت خیال بتوانند در مقابل ارتش ناپلئون بنسپارت صف‌آرایی کنند.^۸

بالاخره فتحعلی شاه، علی‌رغم مخالفت عباس میرزا و از روی اجبار، با انعقاد پیمان صلح موافقت می‌کند. در مذاکرات صلح که در قریه گلستان واقع در قزاق‌آذربایجان به عمل می‌آید، عهدنامه‌ای شامل سه قسمت ملکی، سیاسی و اقتصادی به امضاء میرزا ابوالحسن شیرای نماینده ایران و ژنرال نیکلای رتیش چف نماینده دولت روس به وجود می‌آید که به موجب بند سوم این عهدنامه، در بند، باکو، شیروان، قزاق، و قسمتی از طالش از خاک ایران جدا و به خاک روسیه منظم می‌گردد، بعلاوه ادعای مالکیت ایران نسبت به گرجستان، داغستان، مینگرلی، و آبخازی از او سلب می‌شود. اسناد و مدارک تاریخی عهده‌ای راجع به نقش دولت بریتانیای استعمارگر در تهیه مقدمات شروع جنگ بین دولتین روس - ایران و نهایتاً لزوم انعقاد این چنین عهدنامه شوم، به چشم می‌خورد. برای اثبات این مدعی که انگلیس به انواع دسایس و لطایف‌الحیل توسل می‌جسته است تا دربار ایران را به بن‌بست جنگ با روسیه کشاند، از جمله شواهد و مدارکی که می‌توان ذکر کرد به چند مورد اشاره کوتاهی می‌کنیم:

«... در همان سال انعقاد قرارداد مفصل ایران - انگلیس (۱۸۱۲-۱۲۲۷) که جنگ ایران و روس نیز آغاز شده بود - و این تقارن صلح با انگلیس و جنگ با روس ضمناً و تلویحاً گویای حقایق بسیاری تواند بود - شاهزاده عباس میرزا شخصاً ابراز تمایل نمود که با رتیش چف گفتگو آغاز کند، و به عنوان ابراز حسن نیت خود اعلام کرد که مدت چهل روز عملیات جنگی را متوقف خواهد ساخت و حتی سربازان خود را به مدت بیست روز مرخص خواهد کرد. لیکن ناگهان با ورود سولور به پس صحنه دپلماتسی، یعنی با سفر غیرمترقب وزیر مختار انگلیس از تهران به تبریز، اوضاع بالمزه دگرگون شد، شاهزاده عباس میرزا از گفتگویی که خود بدان ابراز تمایل کرده بود انصراف حاصل

۷. رتیش چف، سردار روس، به شرطی حاضر، به قبول آتش بس و مذاکرات بود که سرگوراولی، سفیر انگلیس، پادرمیانی کند و واسطه صلح شود، رک: طاهری ۴۵۹/۱.

۸. اعلام آتش بس و انعقاد و عهدنامه ننگین گلستان... به همان اندازه که متضمن زبان برای کشور ایران بود برای بریتانیا سود داشت، چه نه تنها آن کشور را با روسیه متحدتر ساخت و سدی در برابر خطر احتمالی نزدیک شدن روسیه به مرزهای هندوستان ایجاد کرد، بلکه بریتانیا را قادر ساخت تا تدریجاً از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کند... طاهری ۴۹۸/۱.

۹. نقل به طور اختصار از: مهدوی.

نمود... ۱۰۴

حتی سرگوراوزلی پس از خاتمه انعقاد این عهدنامه که از راه روسیه عازم لندن بود، در پاسخ سخنان تشکرامیز الکساندر اول، امپراطور روس، از بابت خدمات وی به دولت روس در رابطه با انعقاد عهدنامه انگلستان می‌گوید:

«علیحضرتا، این خدمت مختصر من که سعادت مرا به انجام آن یاری نموده تا در ایران بجا آوردم فقط قسمتی از وظایف من بوده و اینها در اثر اطاعت از اوامر دولت پادشاهی انگلستان می‌باشد که به من دستور داده شده بود. ۱۱۴ و به پاس و میمنت این خدمات گرانبها به امپراطوری روس است که این دلال انگلیسی، بعد از خاتمه مأموریت خویش، از رتیش چف تقاضا می‌کند که به پاس خدمات وی در خلال گفتگوهای روسیه و ایران، برای او از امپراطور روسیه نشان آلکساندرنویسکی و از پادشاه انگلستان عنوان «بارون کشور متحده سلطنتی بریتانیای کبیر و ایرلند» را تقاضا کند.»^{۱۲}

نکته مهمی که در انعقاد عهدنامه گلستان، به‌عمد، رعایت نمی‌شود این است که خط مرزی بین دو کشور صریحاً تعیین نمی‌شود و این امر منشاء اختلافات و جنگهای بعدی، در نتیجه، تحمیل عهدنامه‌ای بس سنگین‌تر از عهدنامه فعلی، یعنی عهدنامه ترکمانچای می‌شود.

۱۰. گزارش کاپیتان وسه لاسکو به رتیش چف، به نقل مهمید ۱۴۷.

۱۱. یادداشت‌های سرگوراوزلی، به نقل محمود ۱۹۲/۱

۱۲. مهمید ۱۵۲

صورت عهدنامه گلستان که در سنه یک هزار و دویست و بیست و هشت هجری فیما بین دو دولتین ایران و روس بستوسط عالیجاه میرزا ابوالحسن خان منعقد شده است.

فهرست مندرجات

مقدمه

فصل اول - مودت، ترک محاربه

فصل دویم - خط جدید سرحدی.

فصل سیم - اراضی و نواحی جدیدی که به روسیه تعلق یافته است.

فصل چهارم - در باب امداد دولت بیه به ولیمهدان و جانشینان شاهنشاه ایران،

عدم مداخله در مناقشات فیما بین شاهزادگان.

فصل پنجم - سیر سفاین تجارتي دولتین علیتین در سواحل بحر خزر، شکست و غرق کشتی.

فصل ششم - در باب اسراء جنگی.

فصل هفتم - در باب مناسبات و امتیازات ایلچیان دولتین.

فصل هشتم - در باب امنیت و آسایش ارباب تجارت در مملکتین دولتین، در باب

آسایش ارباب تجارت دولتین در مملکت ثالث، در باب ماترکه رعایای

دولت روسیه در ایران.

فصل نهم - در باب گمرک اموال تجارت.

فصل دهم - در باب اختیار بیع و تعویض اموال تجارت.

فصل یازدهم - ترک مخاصمات، تصدیق عهدنامه. سواد دستخط ایلچی روس.

اعلیحضرت قضا و قدرت، خورشید رایت، پادشاه جم جاه و امپراطور عالی دستگاه ممالک بالاستقلال کل ممالک آمپیریہ روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت، کیوان رفعت، پادشاه اعظم سیلمان جاه، ممالک بالاستقلال کل ممالک شاهانہ ایران به ملاحظه کمال مهربانی و اشفاق علیتین که در ماده اهالی و رعایای متعلقین دارند رفع و دفع عداوت و دشمنی که برعکس رأی شوکت آرای ایشان است طالب و به استقرار مراتب مصالحه میمونه و دوستی جواریت سابقه مؤکده را در بین الطرفین راغب میباشند، با حسن الوجه رأی علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیک و متصوبه از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک روسیه به عالیجاه معلی جایگاه جنرال لیوتنان سپهسالار روسیه و مدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان، ناظم امور و مصالح شهریة ولایات موبرنای و گرجستان و قفقازیه و حاجی توخان و کارهای تمامی ثغور و سرحدات این حدودات و سامان، امر فرمای عساکر سفاتین بحر خزر، صاحب حمایل الکساندرنویسکی [۱] ذی حمایل مرتبه اولین آتای^۱ [۲] مرتبه دار رابع عسکریه مقتدره حضرت میورمی، صاحب نشان و شمشیر طلا المرقوم به جهت «رشادت و بهادری» نیکولای رتیش چف^۲ اختیار کسلی اعطا شده و اعلیحضرت قدر قدرت والا رتبت، پادشاه اعظم، مالک بالاستقلال کل ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه، ایلچی بزرگ دولت ایران که مأمور دولتین روم و انگلیس بودند، عمده الامرا و الاعیان، مقرب درگاه ذی شان و محرم اسرار نهان و مشیر اکثر امور دولت علیة ایران از خانواده [و] دودمان وزارت و از امرای واقفان حضور در مرتبه دویم آن، صاحب شوکت عطایای خاص پادشاهان خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس ترمه و اسب مرصع یراق میرزا ابوالحسن خان [۳] را که در این کار مختار

۱. هر دو نسخه آتابای.

2. N. Rtistchev.

بالکَل نموده‌اند حال در معسکر روسیه و رودخانه زیوه مین محال گلستان متعلقه و لایت قراباغ [۴] ملاقات و جمعیت نمودند. بعد از ابراز و مبادله مستمسک مأموریت و اختیار کلی خود به یکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق به مصالحه مبارکه به نام پادشاهی عظام قرار و به موجب اختیار نامجات طرفین، قیود و فصول و شروط مرقومه را الی الأبد مقبول و منصوب و استمرار می‌داریم:

فصل اول - بعد از این، امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در دولتین علیتین روسیه و ایران بود به موجب این عهدنامه الی الأبد مقطوع و متروک و مراتب مصالحه اکید و دوستی و وفاق شدید در بین اعلیحضرت قضا قدرت، پادشاه اعظم، امپراطور مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت خورشید رایت، پادشاه دارا شوکت ممالک ایران و وارث و ولیعهدان عظام و میانة دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود.

فصل دویم - چون پیشتر به موجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا از جانبین دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاطوسکوادرینزندیم [۵] یعنی طرفین در هر وضع و حالی که الی قرارداد مصالحه الحالیه بوده است از آن قرار باقی و تمامی الکای ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف هر یک از دولتین بوده کماکان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند، لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران به موجب خط مرقومه ذیل سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای اراضی آدینه بازار به خط مستقیم از راه صحرای مغان تا به معبر یدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا ایصال و الحاق رودخانه مهنک چای به پشت کوه مفری و از آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان از بالای کوههای آنداموز به دره تکر می‌رسد و از آنجا به سرحدات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز رسدی از سنور گنجه [۶] جمع و متصل گردیده، بعد از آن حدود مزبوره که ولایت ایروان و گنجه و هم حدود قزاق^۲ و شمس‌الدین‌نورا تا به مکان ایشیک میدان مشخص و منفصل می‌سازد و از ایشیک میدان تا

بالای سرکوههای طرف راست طرق و رودخانه‌های حمزه چمن و از سرکوههای پنبک^۴ الی گوشه حدود محال شوره‌مل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برقدار آنداموز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود قریه سدره وارنیک به رودخانه آره چای مسلحق و متصل شده معلوم و مشخص می‌گردد و چون ولایات خوانین نشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست به دست افتاده، لهذا به جهت زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبوره را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام، معتمدان و مهندسان مأمور که به موجب قبول و وفاق یکدیگر و به معرفت سرداران جانبین، جبال و رودخانه‌ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تجدید و تمیز و تشخیص می‌سازند آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در تحریر این صلحنامه در دست و در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده، آن وقت خط حدود ولایت طالش نیز بر اسطاطوسکوادپریزندیم مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف موافق بیرون باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هریک طرف موافق اسطاطوسکوادپریزندیم رضا خواهد داد [۷].

فصل سیم - اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم، مالک بالاستقلال کل ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاتی که به اعلیحضرت خورشید رتبت، امپراطور کل ممالک روسیه دارند به این صلحنامه به عوض خود و ولیعهدان عظام شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الان موسوم به ایزابت پول^۵ است و الکای خوانین نشین شکی، شیروان، قوبه، دربند، بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را با خاکمی که الان در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان، گرجستان، محال شوره گل، آچوق باش، کورنه^۶، مینگرلی،^۷ آبخازی^۸ و تمامی الکا و اراضی که در میانه قفقازیه و

۴. الف: پنبک.

۵. اصل: ایلی سابط پول.

۶. ب: کوریه.

۷. ب: مسکریل.

۸. هر دو نسخه: اتجاز.

سرحدات معینۀ الحاله بوده و نیز آنچه از اراضی دریای قفقاز به الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک آمپیریۀ^۹ روسیۀ می‌دانند.

فصل چهارم - اعلیحضرت خورشید رایت، امپراطور قدر قدرت، پادشاه اعظم ممالک ایران به جهت اثبات این معنی که بنا بر همجواریت طالب و راغب است که در ممالک شاهانۀ ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکید مشاهده و ملاحظه نمایند، لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می‌نمایند که هر یک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می‌گردد هرگاه محتاج به اعانت و امدادی از دولت روسیۀ باشد مضایقه ننماید، تا از خارج کسی نتواند دخل در مملکت ایران نماید و به امداد و اعانت روس دولت ایران مستقر و محکم گردد، و اگر در سر امور داخلۀ مملکت ایران فیما بین شاهزادگان مناقشتی دولت روس را در آن میانه کاری نیست، تا پادشاه وقت خواهش نماید [۸].

فصل پنجم - کشتیهای دولت روسیۀ که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می‌نمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود. کشتیهای جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانۀ سواحل روسیۀ شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیۀ اعانت و یاری دوستانه دربارهٔ ایشان معمول گردد. کشتیهای عسکریۀ جنگی روسیۀ به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیۀ با علم و بیدق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اذن داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوازی دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد [۹].

فصل ششم - تمام اسرایی که در جنگ‌ها گرفته شده‌اند یا این که به اهالی طرفین

اسیر شده از کریستیان^{۱۰} و یا هر مذهب دیگر باشند می‌باید الی و عده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط‌گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد گردیده هر یک از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قرائیسارسانند و وکلای سرحدات طرفین به موجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها به جای معین به یکدیگر می‌نمایند اسرای جانبین را باز دریافت خواهند کرد و آنانکه به سبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده‌اند، إذن به آن کسانی که به رضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند داده شود که به وطن خود مراجعت نمایند، و هرکس از هر قومی چه اسیر و چه فراری که نخواسته باشد بیاید کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت به فراریان اعطا خواهد شد.

فصل هفتم - علاوه از قرار و اظهار مزبوره بالا رای بیضا ضیای اعلیحضرت کیوان رفعت، امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه اعظم ممالک ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانه دارالسلطنه جانبین می‌شوند بر وفق لیاقت رتبه امور، کلیه مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت و سچل نمایند و به دستور سابق وکلایی که از دولتین، بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین^{۱۱} گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت و ایشان به اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده و به احوال ایشان هیچ‌گونه زحمت نرسیده، بل زحمتی که به رعایای طرفین عاید گردد و به موجب عرض و اظهار وکلای مزبوره رضای ستم‌دیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم - در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علتین اذن داده می‌شود که هرکس از اهالی تجار بخصوص به ثبوت اینکه دوست رعایا و ارباب معاملات متعلقه به دولت بهیه روسیه و یا تجار متعلق به دولت علیه ایران می‌باشند، از دولت خود یا از سر حد‌دازان تذکره و یا کاغذ راه در دست داشته باشند، از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هرکس هر قدر

۱۰. سچیت.

۱۱. ب: تسکین.

خواهد ساکن و متوقف گشته به امور معامله و تجارت اشتغال نمایند، و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند. آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند و به معرض بیع رسانند و یا معاوضه بامال و اشیاء دیگر نمایند، اگر در میان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعایی باشد به موجب عادت مألوفه به نزد وکلای طرفین یا اگر وکیل نباشد نزد حاکم آن جا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت، مراتب ادعای آنها را مشخص و معلوم کرده، خود و یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید بشود.

در باب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران می‌شوند مأذون خواهند بود که اگر با اموال و تنخواه خودشان به جانب ممالک پادشاهانه دیگر که دوست ایران می‌باشند بروند از طرف دولت ایران بی مضایقه تذکرات راه به ایشان بدهند و همچنین از طرف دولت روس در ماده تجارت اهالی دولت ایران که از خاک ممالک روسیه به جانب سایر ممالک پادشاهانه که دوست دولت روسیه باشند می‌روند، معمول خواهد شد.

وقتی که از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت، در ممالک ایران فوت شده باشد اموال و املاک او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای دولت دوست است، لهذا می‌باید اموال مُقَوَّت [۱۰] به موجب قبض الوصول شرعی رد و تسلیم ورثه مفوت گردد و نیز اذن خواهد داد که املاک مفوت را اقوام او بفروشند، چنانکه این معنی در ممالک روسیه و پادشاهان دیگر دستور و عادت بوده متعلق به هر دولت باشد مضایقه نمی‌نمایند.

فصل نهم - باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه روسیه که به بنادر و بلاد ایران می‌آورند از یک تومان پانصد دینار در یک بلده گرفته از آن جا با اموال مزبوره به هر ولایت ایران بروند چیزی مطالبه نکرده و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون می‌آورند آن قدر گرفته زیاده به عنوان خرج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه با سز و شلتاق مطالبه نشود و به همین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر و ممالک روسیه می‌آورند و یا بیرون می‌برند به دستور گرفته، اختلافی به هیچ وجه نداشته باشد [۱۱].

فصل دهم - بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات دولتیین اذن و اختیار به تجار و ارباب معاملات طرفین داده شده که اموال خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده، دیگر از امنای گمرک و مستاجرین طرفین اءذن نخواسته باشند، زیرا که بر ذممة امنای گمرک و مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند تا معطلی و تأخیر در کار ارباب معاملات وقوع نیافته، باج خزانه را از باع یا از مبیع (یا از مشتری) هر نوع با هم سازش می نمایند باز یافت دارند.

فصل یازدهم - بعد از تصدیق و خط گذاردن در این شروط نامه، وکلای مختار دولتیین علیتین بلا تأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار می نمایند و امر اکید بخصوص بالتره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی به هر جا ارسال خواهند کرد. شرط این شروط نامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحه دائمه طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرز و از وکلای مختار مأمورین دولتیین علیتین مزبوره بالانصدیق و با خط و مهر مختم گردیده و مبادله با یکدیگر شده است می بایست از طرف اعلیحضرت خورشید رتبت، پادشاه اعظم، امپراتور اکرم، مالک کل ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت، پادشاه والجاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد و چون این صلحنامه مشروحه مصدقه می باید از هر دو دولت پایدار به وکلای مختار برسد، لهذا از دولتیین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد.

تحریراً فی معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال مملستان متعلقه قرا باغ به تاریخ بیست و نهم شهر شوال المکرم سنه یک هزار و دویست و بیست و هشت هجری نبوی مطابق دوازدهم^{۱۱۱} ماه اکتوبر سنه یک هزار و هشتصد و سیزده عیسوی سمت تحریر یافت.

سواد دستخط ایلچی روس

چون میانه وکلای دو دولت پایدار عهدنامه قرار یافت بنابراین شد که بعد از اتمام

مصالحه و دستخط گذاشتن برای استقرار دوستی و اتحاد سفرآمد و شد نمایند، لهذا ایلچی که از دولت علیّه ایران مبارکباد به دولت بهیّه روس می‌رود و مطالبی که از شاه خود مأمور است بر رأی قضا قدرت، امپراطور اعظم عرض و اظهار سازد سردار بهیّه روسیه تعهد نمود که در مطالب ایران بقدر مقدور کوشش و سعی نماید. به جهت اعتماد خط گذاشته مهر نمودم. در معسکر روسیه و رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه ولایات قراباغ، به تاریخ سیزدهم ماه اکتوبر سنه یک هزار و هشتصد و سیزده عیسوی.

محلّ مهر جنرال نیکولای رتیش چف
محلّ مهر میرزا ابوالحسن خان
سردار دولت بهیّه روسیه
وکیل مختار دولت علیّه ایران

توضیحات عهدنامه گلستان

- ۱) نشان الکساندر نوسکی: معروف به قدیس، از فرمانروایان شهر نوگورود، قهرمان ملی روسیه، به سبب شجاعت در نبرد با سوئدیها و شکست آنها در کنار رودخانه نوا Neva به Nevsky شهرت یافت، وی سیاست معتدل روسیه را از تعرض تاتارها و مغولها مصون نگاهداشت.^۱
- ۲) حمایل آتابای: در مراجعه به منابع و مأخذ مختلف حمایتی به این نام وجود ندارد، بلکه حمایل آتای می‌باشد که به عنوان مادر «مریم مقدس» شناخته شده است و مربوط به قرن اول قبل از میلاد می‌باشد. نشان‌های آن، آتا، و آن مقدس به او منسوب است.
- ۳) میرزا ابوالحسن خان: میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی کبیر)، از رجال معروف اوایل عهد قاجار، پسر میرزا محمدخان اصفهانی سررشته‌دار است. در سال ۱۲۲۶ ق به سفارت ایران در لندن مأمور گشت، در ۱۲۲۹ ق. با تحف و هدایای بسیار برای تغییراتی در عهدنامه گلستان و تجدید نظر در مواد آن و سپس به امضاء رسانیدن آن مأمور دربار روسیه شد، ولی پس از سه سال و کسری اقامت در سن پترزبورگ دست از پا درازتر به تهران بازگشت و مانند همیشه بر سر ایران کلاه گذاشته شد و معاهده گلستان بدون کمترین جرح و تعدیل و تجدید نظری در مواد آن به قوت خود باقی ماند. در سال ۱۲۴۰ ق. به وزارت امور خارجه تعیین گردید و این اولین بار است که در تاریخ جدید ایران نامی از وزیر دول خارجه و وزارت به این عنوان برده می‌شود.^۲ میرزا ابوالحسن خان یکی از کسانی است که رسماً از دولت انگلیس مقرری دریافت می‌داشت و تا روز مرگ دریافت نمود.^۳
- ۴) قراباغ: [= باغ سیاه (= قرا)، به مناسبت خاک سیاه و حاصلخیز دره‌های مرتفع آن] نام

۱. تاریخ روسیه، شانی نوف، ترجمه خانیابا بیانی، ۴۴ به بعد.

۲. پامداد ۱/۳۷.

۳. حقوق بگیران... ۱۷.

رسمی آن ناحیه خود مختار ناگورنو - کاراباخ، ناحیه خودمختار آذربایجان شوروی. کرسی آن ستپاناکرت و شهر مهم دیگرش شوشی است. قراباغ فعلی جزئی از قراباغ قدیم است که قسمتی از ناحیه آلبانیا یا اران، و به آرتساخ (artsax) موسوم بود... و در قرن ۱۳ م. نامش به قراباغ تبدیل شد.^۴

(۵) اسطاطوسکو: که صورت صحیح آن استاتوکو (statu quo) مخفف In Statu quoante به معنی وضع موجود است.^۵ در قاموس اصطلاحات سیاسی، تعبیر استاتوسکو ادپرزنتیوم Statusquo ad Presentium به معنای آن است که هنگام آغاز آتش بس، سپاهیان دو کشوری که با هم در جنگ بوده‌اند، به همان وضع و موقعیتی که داشته‌اند بمانند و همه سرزمین‌های متصرفی در دست سپاهیان کشوری که آنها را مسخر ساخته بوده‌اند باقی باشد تا آنکه بر سر پیمان صلح، توافق نهایی حاصل آید.^۶

(۶) گنجه: از شهرهای قدیمی ایران، مسکن و موطن و مدفن حکیم نظامی شاعر معروف ایران می‌باشد. گنجه پیش از انعقاد معاهده گلستان به سال ۱۲۲۸ ق. به تصرف دولت روس درآمده و روس‌ها نامش را تغییر داده الیزاووپول (Elisavetopol) گذارده بودند و پس از انقلاب اکتبر روسیه شوروی‌ها دوباره نامش را تغییر داده آنرا کیروآباد (Kirovalad) گذاردند.

(۷) اصطلاحات مبهم و عدم وضوح و نارسا بودن حدود ارضی مندرج در این ماده، گویاترین و بهترین مثال ابهام یک سند سیاسی است. مشخص نبودن خطوط سرحدی، معین نبودن حدود طالش و که در هنگام عداوت و دشمنی دست به دست افتاده، ابهام جملات و استعمال اصطلاحات دو پهلو را نشان داده و زمینه را جهت شروع دومین مرحله جنگ بین دولتین ایران و روس و در نتیجه انعقاد عهدنامه‌ای بس ننگین تر از عهدنامه گلستان یعنی عهدنامه ترکمانچای آماده می‌سازد.

طبق همین ماده، مقرر می‌شود به مهندسين و نمایندگان معتمد دو دولت مأموریت داده شود که پس از امضای پیمان صلح به مسایل مبهم و متنازع فیه رسیدگی کرده و با رضایت طرفین خاتمه دهند، ولی آکساندر یرملوف A. Yermoloff که از طرف تزار مأمور حل و فصل این نکات مبهم است در تهران همین که فتحعلی شاه در مقابل پیشنهادات غیرمنطقی او ایستادگی می‌کند و جواب رد می‌دهد،^۷ یرملوف هنگامی که مذاکره راجع به مواد ارضی می‌رسد اظهار می‌دارد که وی حتی با استرداد یک مترزمین که با نیروی قوای روس به دست آمده موافقت نخواهد کرد، و بدین ترتیب آب پاکی بر روی دست فتحعلی شاه ریخته، تمام امیدهای دربار ایران را به دست آوردن قسمتی از سرزمین خویش به یأس بدل می‌کند و به دنبال شکست مأموریت یرملوف، الکساندر تزار روس در بیانیه‌ای که مورخ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ م. به اطلاع ملت قفقاز می‌رساند قطعیت عهدنامه گلستان و ایجاد صلح و صفا بین ایران و روس را می‌رساند و با این بیانیه تمام نقشه‌های زمامداران ایران را نقش بر آب می‌کند.

۴. مصاحب.

۵. دهخدا.

۶. طاهری ۱/۴۹۷.

۷. در مورد متن پیشنهادات یرملوف و جواب فتحعلی‌شاه رک: بیبا ۱۹۰ به بعد.

۸) روسها بدون آن که صراحتاً میل مداخله خود را در امور داخلی ایران اعلام دارند، در ماده مزبوره عهدنامه گلستان این حق نابجا را که نتایج آن برای دولت ایران بسیار وخیم و ننگین بود قابل شده و زمینه را جهت به دست آوردن اختیارات زیاد و فوق‌العاده در مداخله امور داخلی ایران فراهم آوردند، بطوری که در ماده هفتم عهدنامه ترکمانچای، این حق را علناً خواستار و به تأیید و تصویب رساندند.^۸ درین مورد رک: فصل هفتم از عهدنامه ترکمانچای در همین مجموعه.

۹) بطوری که ملاحظه می‌شود طبق همین ماده، علاوه بر مواد تجارتي و سیاسی، شرایط کشتیرانی بازرگانی دو دولت معین و حق نیروی دریایی در بحر خزر منحصرأ در اختیار دولت روس قرار می‌گیرد. این حق انحصار برای نیروی دریایی دولت روس به هیچ دلیل و برهانی مستند نبود و این چنین استدلال فقط به خاطر این بود که دولت ایران هیچگاه نتواند کشتی جنگی در دریای خزر داشته باشد. به استناد همین ماده، از تاریخ امضاء عهدنامه گلستان، دریای خزر در واقع دریای روس به حساب آمد و دولت ایران از کلیه حقوق و مزایای خود در این دریا چشم‌پوشی کرد. شاید هم جمله تاریخی حاجی میرزا آقاسی «ما چه احتیاجی به آب شور داریم، برای همین زمان گفته شده باشد، واللہ اعلم. (۱۰) مُفَوَّت: اسم مفعول از مصدر تفویة ← المنجد، قَوَّت: پُرمرده شد.

۱۱) با تصویب این ماده، عواید و منافعی که از راه عوارض و مالیات نصیب دولت ایران می‌گشت تمام شد، چرا که دولت ایران قبل از انعقاد عهدنامه گلستان از مال‌التجاره‌های وارده حقی دریافت نمی‌کرد و فقط دو نوع مالیات یکی به اسم دروازه‌بانی در واقع ورود اجناس به شهرها و دیگری به اسم عوارض راهداری در سر راه و گذر پل‌ها از مال‌التجاره گرفته می‌شد. این عوارض بدون تشخیص مبداء و مقصد مال‌التجاره از اجناس وارداتی و ترانزیتی وصول می‌شد و منبع درآمد بزرگی به حساب می‌آمد که با امضاء عهدنامه گلستان مقررات موجود منسوخ شد و در سرحدات ایران و روس صدی پنج قیمت اجناس به عنوان عوارض گمرکی از مال‌التجاره‌های وارده و صادره وصول شد.

بنابراین با برقراری رژیم گمرکی عایداتی که دولت ایران بابت عوارض از مال‌التجاره‌های وارده و صادره دریافت می‌کرد از میان رفت، چرا که عواید ۵٪ دریافتی از واردات و صادرات به مراتب کمتر از عایدات عوارض داخلی بود.^۹

۸. همین مسأله ولیعهدی ایران، در فصل یازدهم عهدنامه مفصل (۱۸۱۲/۱۲۲۷) و فصل دوم عهدنامه تهران (۱۸۱۴/۱۲۲۹) مورد تأیید انگلیس هم قرار گرفته است.
۹. بینا ۲۶۰.

گردآورنده:
شاهین کاویانی

